

# آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندל شینرسون

Torah studies کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

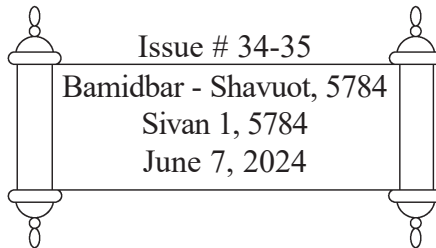
ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:  
Mr. Parviz Mojdehi

\*

Reprinted with permission by:  
Chabad Persian Youth  
&  
Moshiach Awareness Center



Friday, June 7, Light Shabbat Candles, by 7:44 p.m.

Saturday, June 8, Shabbat ends at 8:48 p.m.

Tuesday, June 11, Light 1st night of Shavuot Candles by 7:46 p.m.

Wednesday, June 12, Light 2nd night of Shavuot Candles AFTER 8:50 p.m.

Thursday, June 13, Shavuot ends at 8:50 p.m.

(Times are for Los Angeles)

## بمیدبار

پاراشای این هفته با فرمان خداوند برای گرفتن سرشماری از بیسرائل ها شروع میشود. در واقع در اولین سیزده ماه خروج آنها از مصر سه مرتبه این سرشماری صورت گرفت از نظر روحانی سرشماری دارای چه اهمیتی است؟ چرا می بایست در چنین مدت کوتاهی از جمعیت بیسرائل ها سه مرتبه سرشماری شود؟ تفاوت مابین آنها چه بود؟ و ارتباط این سرشماری با شاعوت که همواره نزدیک به خواندن این پاراشا واقع می شود چه می باشد؟ اینها مطالبی است که در این مبحث به آنها می پردازیم.

### ۱- بمیدبار و شاعوت

پاراشای بمیدبار ارتباط بخصوصی با جشن شاعوت دارد. در واقع تمام پاراشاها با زمانی که در آنها واقع می شوند ارتباط دارند. ۱ و پاراشای بمیدبار معمولا در شبات قبل از شاعوت خوانده می شود. ۲ شاعوت یادآور اهداء تورا به بنی بیسرائل است و جشن ازدواج خداوند با بیسرائل ها خوانده شده است. ۳ بخاطر آماده شدن برای ازدواج در شبات قبل از ازدواج در کنیساها داماد را برای خواندن تورا صدا می زنند (در جوامع سفارادی این رسم در شبات بعد از ازدواج صورت می گیرد). بنابراین بمیدبار همچون یک حالت آماده شدن است برای ایجاد آن وحدت مخصوص (ازدواج) مابین خداوند و ملتش که منجر به گرفتن تورا می شود.

ما این ارتباط را در اولین کلمات آغازین این پاراشا می یابیم جایی که خداوند دستور میدهد که "همه افراد بیسرائل را بشمارید". و این ارتباط زمانی مشخص تر می شود که ما معنای واقعی شمردن را درک کنیم.

### ۲- شمردن

راشی در توضیح پاسوق بالا می گوید "بخاطر آنکه بنی بیسرائل نزد خداوند عزیز هستند او همواره آنها را می شمارد. زمانی که آنها از مصر خارج شدند خداوند دستور شمردن آنها را داد.

۲- توسفوت مگیلا ۳۱ ب "کللوت" ۳- تعنیت ۲۶ ب

۱-شالوه- تورا شبکتاو- آغاز ویشو

## Aish Tamid Parshat Bamidbar, 5784

زمانی که آنها گوساله طلائی را درست کردند، قبل از ساختن میشکان، او آنها را شمرد و زمانی که او نزدیک بود که در میان آنها ساکن بشود (در میشکان) نیز دستور شمردن آنها داد. در اول ماه نisan میشکان برقرار شد و در اول ماه ایيار (ماه بعد) او دستور داد آنها را بشمارند.<sup>۱</sup> این توضیح راشی سه مسئله و سؤال را مطرح می کند:

۱- معمولا انسان زمانی که چیزی برای او عزیز است، اغلب آنرا بیرون می آورد که بشمارد و به این ترتیب با آن دوباره آشنا بشود. اما خداوند تعداد پسران یيسرائل را بدون سرشماری میداند پس علت دستور دادن برای سرشماری چه می باشد؟  
۲- چرا در سومین سرشماری، مابین برقرار کردن میشکان و انجام عمل سرشماری یک ماه تاخیر است؟

۳- چه تفاوتی مابین این سرشماری ها وجود دارد؟ اولین سرشماری که در زمان خروج از مصر صورت گرفت توسط چه کسی انجام شد؟ میدانیم که دومین سرشماری بوسیله مشه<sup>۲</sup> ربنوا انجام شد اما سومین سرشماری به وسیله مشه و اهرون<sup>۳</sup> صورت گرفت. چرا اهرون در سرشماری های دیگر شرکت نداشت و فقط در این سرشماری شرکت داشت؟

### ۳- شمردن به عنوان نشانه ای از عشق

معنای واقعی و عمیق شمردن چیست؟ زمانی که چیزها شمرده می شوند همه آنها با هم در مقام مساوی قرار می گیرند. بزرگترین اشخاص و کمترین آدم ها همگی یکبار، نه بیشتر و نه کمتر شمرده میشوند. بنابراین سرشماری نشانه ای از عشق خداوند به آن چیز است که در همه یهودیان مساویست. نه عقل و هوش آنها، نه مقام روحانی آنها، بلکه ذات و روح یهودیت آنها. و این چیز است که ما معمولا نمی توانیم مشاهده کنیم. پس بنابراین هدف از سرشماری آن بود که به روح وذات هر فرد یهودی ارجحیت و تقدم داده شده آنها به مرحله آگاهی برساند. و همچنین راشی این مطلب را تأیید کرده و می گوید که سرشماری نشانه ای از عشق خداوند به یيسرائل ها می باشد.

به این ترتیب به یکی از سئوالات بالا در مورد راشی جواب میدهیم. راشی می نویسد که "خداوند آنها را همواره میشمارد" و باین حال راشی خودش می نویسد که آنها فقط سه مرتبه در سیزده

---

۴- آغاز پاراشای کی تيسا (رجوع شود به راشی) ۵- بمیدبار ۱۳

**Aish Tamid**  
**Parshat Bamidbar, 5784**

ماه اول خروجشان از مصر شمرده شدند و یکبار نیز سی و هشت سال بعد در بیابان برطبق میدراش ۶ جمعا نه مرتبه بیسرائل ها شمرده شدند و در زمان ماشیح برای بار دهم نیز شمرده خواهند شد.

راشی می توانست بجای کلمه "همواره" از کلمه "مواقع بخصوص" استفاده کند ولی او تاکید بر کلمه "همواره" دارد. که اشاره به موضوع خاصی می کند. و آن اینکه هدف از شمردن آشکار کردن روح و ذات هر فرد یهودیست و این عمل دارای آنچنان اهمیتی است که فقط در "مواقع بخصوص" انجام نمی شود بلکه "همواره و همیشه" صورت می گیرد و به گذشت زمان و مواقع بخصوص بستگی ندارد.

### **۴- زمان و فرد یهودی**

زمانی که در دوران شکنجه و آزار مذهبی فرد یهودی تحت تاثیر آنچنان فشاری قرار می گیرد که مذهب خود را تغییر دهد و به بت پرستی روی آورد. (و بصورت مشابه زمانی که او تحت تاثیر غریزه<sup>۷</sup> بد وجود خود قرار می گیرد که گناهی انجام دهد). او ممکن است با خود اینگونه بیاندیشد که از آنجا که تشووا همه گناهان را پاک می کند (و هیچ چیز در مقابل تشووا مقاومت نمی کند) و این پشت کردن و خیانت به یهودیت برای مدت کوتاهی است و از آنجا که راه تشووا همیشه برای او باز است. پس چرا او می بایست برای این گناه کوچک ناراحت بشود؟ با وجود این طرز تفکر، ما در همه ادوار و در میان همه بیسرائل ها می بینیم که آنها حاضر بودند بدون لحظه ای تأمل جانشان را بدهند و حتی برای یک لحظه به مذهب خودشان پشت نکرده و خیانت نکنند. چرا؟ برای آنکه ارتباط مابین خداوند و یک فرد بیسرائل ارتباطی است که درای زمان و بالا تر از بعد زمان قرار دارد<sup>۸</sup>. به این معنا که قطع کردن این رابطه برای یک لحظه مثل آن است که آنرا در همه زمان های گذشته حال و آینده قطع کرده است.

و این معنای واقعی کلمات راشی است که می گوید "او همواره آنها را می شمارد". عشق و علاقه ای که در شمردن بیان می شود بالا تر و عمیق تر از گذشت زمان و اینگونه اندیشه هاست. این عشق باعث میشود که آن حالت عمیق روح یک فرد بیسرائل که هر لحظه آماده برای جانفشانی است آشکار شود. و این شمارش و عشق حاصل از آن وجود یک شخص یهودی را همواره در بر می گیرد.

---

۶- تنخوما، کی تیسرا ۹- بمیدبار رابا ۱۱-۲- پسیکتا در او کاهانا پاراشای شکالیم

۸- تنیا قسمت اول فصل ۲۵

۷- رجوع شده به رمبام هیلخوت گروشیم پایان فصل ۲

## ۵- سومین شمارش

حال ما تفاوت مابین این سه بار سرشماری که راشی میگوید را درک می کنیم . هر یک از آنها مراحل در تکامل روح هر فرد یهودی هستند .

در اولین مرحله ، روح و درون یک فرد یهودی بوسیله عشق به خداوند برانگیخته می شود. در دومین مرحله این عشق شروع به تاثیر گذاری بر روی برون و زندگی خارجی او می کند و در سومین مرحله بالاخره این عشق تمامی اعمال او را در بر گرفته و به آنها انرژی میدهد .

اولین سرشماری در زمان خروج بیسرائل ها از مصر انجام شد و آن، روح جانفشانی در آنها را تا به آنجا برانگیخت که آنها حاضر شدند که بدنبال خداوند در سرزمین خشک و بی آب و علف راه بیافتند. <sup>۹</sup> ولی احساسات آنها در این مرحله دست نخورده باقی مانده بود. <sup>۱۰</sup>

دومین سرشماری که قبل از ساختن میشکان صورت گرفت ، میزان بیشتری از وجود آنها را در بر می گرفت به این معنی که قوای عقلانی و احساسی آنها را مورد تاثیر قرار میداد و علتش آن بود که آنها خود را برای انجام کاری آماده میکردند که باعث حضور خداوند در میان آنها میشد " برای من یک مسکنی (میشکانی) درست کنید که من در میان شما ساکن بشوم ". اما در این مرحله نیز هنوز انگیزه و فرمان از خارج از وجود آنها می آمد. این فرمان خداوند بود که آنها را به ساختن میشکان واداشته بود و نه هیچگونه انگیزه و فشار درونی .

اما در سومین سرشماری که عبادت عملی در میشکان شروع شد و عمل قربانی در آن انجام گرفت بیسرائل ها با اعمال خودشان خداوند را به میان خود آوردند و این عمل باعث شد که دیگر همه اعمال آنها نشان دهنده وحدت روح یهودیان با خداوند بشود.

حال معلوم میشود که چرا می بایست مابین ساختن میشکان در ماه نisan و سومین سرشماری که در ماه اییار انجام گرفت یک ماه تاخیر باشد. برای آنکه نisan ماه پسخ می باشد زمانی که ما خداوند را در وجود خودمان احساس می کنیم . احساسی که از طرف خداوند برانگیخته شده است. خروج از مصر فقط بخاطر محبت و شفقت خداوند صورت گرفت چرا که بیسرائل ها در آن زمان هیچگونه امتیاز و برتری نداشتند . <sup>۱۱</sup> اما ماه اییار ماه عومر و زمان آوردن قربانی های مخصوص می باشد . و با آوردن این قربانی ها ما آن حضوری از خداوند را ایجاد می کنیم که از درون ما سرچشمه می گیرد و پاسخی است به لیاقت و شایستگی ما و نه حاصل محبت و

۱۰- تیناقسمت اول فصل ۳۱

۹-بیرمیا ۲-۲

۱۱- رجوع شود به صفحه ۱۷۷ - لیکوتی تورا بمیدبار ۳ الف

**Aish Tamid**  
**Parshat Bamidbar, 5784**

شفقت خداوند . یک چنین توضیح مشابهی باعث می شود که ما جواب این سؤال را که چرا اهرون در این قربانی و فقط در این قربانی شرکت کرد را بهتر درک کنیم؟ جواب آن است که مشه ربنو یک عامل ارتباطی برای دریافت نبوت بود و همچون کانالی بود که نبوت از طریق او از بالا (جهان معنوی بالا) به پائین (دنیای پائین مادی) می آمد . اما اهرون کسی بود که باعث ارتقاء مقام روحانی یسرائل ها از پائین به بالا میشد . ۱۲

و در این سومین سرشماری بود که یسرائل ها بالا خره به مرحله ای رسیدند که دیگر اعمال آنها نتیجه آگاهی روحانی خودشان بود . فقط در این زمان بود که آنها می توانستند آن نوعی از حضور خداوند را ایجاد کنند که علت آن ارتقاء روحانی خودشان بود و از پائین به بالا انجام میشد . پس بنابر این وجود اهرون در این سرشماری لازم بود .

به این ترتیب ارتباط مابین بمیدبار و شاعوت مشخص میشود . زمانی که تورا اهداء شد وحدت خداوند و یسرائل ها به نحوی بود که احساس وجود خداوند از بالا به ایسرائل ها داده میشد . و با این احساس آنها از مراحل پائین معنوی به مراحل بالا تر معنوی میرسیدند . و در زمانی که ما خودمان را برای سالگرد این واقعه آماده می کنیم قسمتی از تورا را می خوانیم که درباره سومین سرشماری صحبت می کند . یعنی مرحله ای که هر دو حالت روحانیتی که مشه و اهرون و یا ماه نیسان و ماه اییار سمبل آنها هستند ، باهم یکی میشوند و به هم پیوند می خورند . و همچنین ، با در نظر گرفتن این مطلب که شمردن سمبل عشق خداوند به یسرائل ها می باشد ما آن اتحاد و یگانگی که در زمان اهداء تورا ایجاد شده بود را فراهم می آوریم . زمانی که خداوند قوم خودش یسرائل را برای ازدواج انتخاب کرد و به این ترتیب از ۱۳ طریق تورا یسرائل با خداوند متحد و یگانه شد . ۱۴

(Source: Likkutei Sichot,  
Vol. 8, pp. 1-7)

(منبع : لیکوتی تورا جلد هشتم صفحه ۷-۱)

۱۲- لیکوتی تورا - وبقرا ۵ ج (زهر قسمت سوم ۷۳ الف)

۱۲- زهر قسمت سوم ۲۰ الف ۵۲ ب

۱۴- زهر قسمت سوم ۹۳ ب

## شاووعوت (۱)

شاووعوت روزی است که ما اهدای توره در کوه سینای را به یاد می آوریم. در توره به ارتباط این روز و دادن توره به ایسرائل ها، به صورت واضح اشاره نشده است و فقط به این ترتیب از آن یاد کرده است که: «شما باید (از روز دوم پس) پنجاه روز بشمارید. آن روز را اعلام کنید و آن روز باید روز مقدسی برای شما باشد»... اگرچه ما می دانیم که توره در روز ششم سیوان داده شده است، در زمانی که تقویم، هنوز به وسیله مشاهده عینی ماه نو، تعیین می شد. پنجاهمین روز یعنی شاووعوت می توانست در پنجم، ششم و یا در هفتم سیوان واقع بشود. معهداً، در حال حاضر که تقویم دیگر متغیر نمی باشد، شاووعوت همواره با ششم سیوان مصادف است.

در کتاب های مقدس ما به شاووعوت و اهمیت آن اشاره شده است. این مطلب که برخلاف موعدهای دیگر، در قربانی های مخصوص شاووعوت اشاره ای به کلمه «گناه» نشده است گویای این حقیقت است که شاووعوت با پذیرش توره به وسیله ایسرائل ها در ارتباط است چرا که اهداء توره به آن ها این امتیاز را داد که گناهانشان بخشوده بشود.

بنابراین مطالب این دو سخنرانی تأکیدی است بر اهمیت اهداء توره در سینای و این که اهداء توره، چگونه تغییراتی در وضعیت روحانی انسان ایجاد کرد و این واقعه که تنها یک بار در تاریخ ایجاد شد چگونه امکاناتی را در جهان به وجود آورد که قبل از آن جهان از این امکانات بی بهره بود.

اولین سخنرانی با عنوان این حقیقت آغاز می شود که ماه سیوان، ماه سوم از خروج ایسرائل ها از مصر به سوی سرزمین موعود بود. چرا توره فوراً بعد از خروج از مصر به ایسرائل ها داده نشد؟ و آیا شماره سه دارای خصوصیت و امتیاز خاصی می باشد؟ متن و موضوع اصلی آن اشاره به نوعی متفاوت از وحدت و یگانگی می کند که یک فرد یهودی در ارتباطش با خداوند می تواند به آن برسد.

### ۱ – سومین ماه

واقعه اهداء توره در سومین ماه، ماه سیوان، انجام گرفت. از آنجا که این موضوع به طور واضح، قسمتی از برنامه الهی بوده است پس بنابراین می

## Aish Tamid Shavuot, 5784

بایست ارتباط بخصوصی مابین این واقعه و زمان آن، ومابین توره و سومین ماه موجود باشد. در تلمود<sup>۱</sup> به این مطلب به صورت واضح اشاره شده است: «متبارک است آن خدای پر از رحمت که توره را که شامل سه بخش می باشد به قومی داده است که دارای سه گروه می باشد. توره ای که در روز سوم از ماه سوم به وسیله فرزند سوم به قوم ایسرائل اهداء شد. عدد «سه» دائماً در این گفته ها تکرار شده است. توره دارای سه بخش است: توره، نوئیم و کتوبیم. قوم ایسرائل به سه گروه تقسیم می شوند: کوهن، لوی و ایسرائل. مُشه، بعد از میریام و اهرن فرزند سوم بود. توره در ماه سوم، در سومین روز جدایی ایسرائل ها از همسرانشان به آنها اهداء شد. چرا عدد سه و نه عدد یک؟ توره یگانه است و هدف از آن آشکار کردن یگانگی خداوند است. عددی ست که نماینده یگانگی است و یک بودن خداوند را آشکار می کند؟!...»

موضوع را بیشتر گسترش بدهیم. اهمیت اساسی این سومین ماه در همین اهداء توره می باشد. میصوت الهی به خودی خود کلاً چیز تازه ای نبودند. این فرمان های الهی حتی قبل از اهداء توره هم وجود داشتند. از جمله هفت فرمان نوح، میصوت ختنه و میصوهای که در «مارا» به ایسرائل ها داده شد. واقعه سینای مسلماً طبیعت انجام میصوت را تغییر داد<sup>۲</sup>. انجام میصوت چیز تازه ای نبود ولی توره تازگی داشت و تفاوت مابین توره و میصوت از این قرار است<sup>۳</sup>:

«از طریق انجام میصوت، من انسان در مقابل خواسته خداوند باطل می شود. همچون «ارابه ای در برابر ارابه ران» ولی از طریق توره، من انسان با خداوند یکی می شود و این دو مطلب دو چیز متفاوت هستند. ارابه دارای هیچگونه اراده ای نیست مگر اراده ارابه ران، در این حالت ارابه و ارابه ران دارای موجودیت واحدی نیستند. پدیده تازه ای که در سینای اتفاق افتاد بسیار عظیم و متفاوت بود حالا دیگر یک فرد ایسرائل می توانست که با خداوند یکی بشود و اگر اینطور است می توان دوباره این پرسش را مطرح

۱- مسخت شبات ۸۸ - الف

۲- رجوع شود به ربام تفسیری بر میشنا، خولین، پایان فصل هفت

۳- تنیا بخش اول فصل ۲۳



## Aish Tamid Shavuot, 5784

کرد که چرا سمبل واقعه سینای و اهداء توراہ ، عدد سه می باشد و نه عدد یک؟

### ۲- دو نوع وحدت

در واقع هدف اهداء توراہ ایجاد وحدت بوده است. ولی وحدت واقعی چیست؟ زمانی که انسان وحدت را در میان کثرت درک می کند در این زمان او وحدت را در دل تفاوت ها مشاهده می کند. اگر او فقط یک نوع موجودیت را بشناسد، ما نمی دانیم، چنانچه وجود دیگری را کشف کند چگونه عکس العملی را نشان می دهد؟ آنوقت شاید او عنوان کند که دو واقعیت وجود دارد، خداوند و جهان. زمانی که او با بیش از یک موجودیت روبرو می شود و هنوز معتقد است که تنها واقعیت موجود خداوند است، او به یگانگی واقعی خداوند دست یافته است و آن را درک کرده است. داستانی تمثیلی و سنتی از این مطلب وجود دارد. اگر ما بخواهیم بدانیم که پیوند و وابستگی پادشاه و شاهزاده، پدر و فرزند، تا به چه حد است، این پیوند تا زمانی که شاهزاده در قصر پادشاه است مشخص نمی شود بلکه با دور کردن شاهزاده از پادشاه و قرار دادن او در میان مردمان عادی مشخص می شود. اگر او هنوز در میان مردمان عادی همچون یک شاهزاده رفتار کند او فرزند واقعی پدرش می باشد. همینگونه در مورد یک فرد یهودی، نه در خانه خداوند و میشکان الهی، بلکه در تنوع و گوناگونی جهان است که احساس و درک یگانگی خداوند در او به اثبات می رسد. و او این احساس یگانگی خداوند را در خود به دو طریق می تواند حفظ کند. او می تواند همه خودآگاهی اش را از همه چیز به جز خداوند سرکوب کند و یا او می تواند کاملاً آگاه از موجودیت دنیا و همه چیز آن باشد و در درون آنها خداوند را کشف کند و این دومین طریق است که عمیق تر و پرمعناتر است. کسی که خودآگاهی و احساس خودش را سرکوب می کند و چشمانش را به روی طریق های دنیا می بندد معتقد است که جهان و مسائل مربوط به آن چیزهایی جدا از خداوند و در تضاد با او هستند و باید از آنها فاصله گرفت. وحدت و یگانگی ای که او در زندگی

## Aish Tamid Shavuot, 5784

مذهبی به آن رسیده است عمیق نیست و مصون هم نیست.

### ۳ - سه مرحله

در رشد معنوی انسان به طرف درک یگانگی خداوند همانگونه که دیده می شود سه مرحله وجود دارد و آنها با سه ماه که از پسخ تا شاووعوت وجود دارد مطابقت می کنند.<sup>4</sup>

ماه نیسان، ماه خروج از مصر، زمانی که خداوند به ایسرائل ظاهر شد می باشد. آنها از مصر فرار کردند، فرار به معنای واقعی کلمه و فرار به صورت سمبولیک، فرار از درک دنیا. آنها صرفاً از الهام الهی پر شده بودند. نوع درک آنها از وحدت، حاصل انکار جهان بود. برای آنها خداوند یگانه بود به خاطر آن که تنها فقط یک چیز را می شناختند و به خاطر آن که جهان موجودیت خودش را در مقابل چشمان آنها متوقف کرده بود.

ماه ایپار، دومین ماه تماماً مربوط به شمارش عومر می باشد و ماهی که ما خودمان را برای واقعه سینای، شاووعوت آماده می کنیم. ما نسبت به موجودیت خودمان و جهانی که در آن زندگی می کنیم به عنوان چیزی جدا از خداوند که می بایست سرکوب بشود، آگاهی داریم. همچون اربه و اربه ران، خداوند و جهان یکی هستند ولی دو چیز.

ماه سیوان، سومین ماه، زمانی است که تورا داده شد. زمانی که خداوند و جهان یکی می شوند و این لحظه وحدت خالص و واقعی است. زمانی که آنچه که به نظر دو چیز می آمدند، پدیده سومی را به وجود می آورند که شامل آنها و بالاتر از هر دوی آنهاست.

### ۴ - بالا و پائین

و این است علت اینکه چرا تورا در سومین ماه به ملت ایسرائل اهداء شد. به

---

۴- همان مرجع صفحه ۲۰۰

## Aish Tamid Shavuot, 5784

خاطر آن که از طریق انجام میصوت و فرمان های الهی، ما منیت های خودمان را محو می کنیم ولی ما هنوز با خداوند یکی نیستیم. وحدت نهایی تنها از طریق مطالعه توراہ زمانی که عقل انسانی و خواسته الهی با یکدیگر ترکیب میشوند<sup>5</sup>، کسب میشود. این دو به پدیده ای تبدیل میشوند که وحدت کاملی را ایجاد می کند.

به همین علت بود که مُشه توراہ را در محل سینای از خداوند دریافت کرد. ربانیم می گویند سینای برای اهداء توراہ انتخاب شد چرا که در میان کوه ها، پائین ترین ها (یعنی متواضع ترین ها) بود. اما اگر مناسب ترین محل برای اهداء توراہ، پائین ترین ها می باشد پس چرا توراہ در دشت ها و یا دره ها به اسرائیل ها داده نشد؟ به خاطر آن که سینای نماینده و نشانگر برخورد و ترکیب دو تضاد است. بالاترین ها و پائین ترین ها، خدا و انسان. و این است اهمیت توراہ.

(منبع لیکوتی سیحوت جلد دوم، صفحه ۳۰۱ الی ۳۰۳)

(Source: Likkutei Sichot,  
Vol. 2, pp. 301-303)

## شاووعوت (۲)

علاوه بر ظهور خداوند در بیابان، دو واقعه دیگر نیز در دو زمان متفاوت یعنی مرگ دو تن از بزرگ ترین شخصیت های تاریخ مذهبی ما در شاووعوت اتفاق افتاده است. مصادف شدن این دو واقعه با شاووعوت به ما یادآوری می کند که الهامات الهی پدیده هایی نیستند که فقط یک بار اتفاق بیافتند بلکه یک پروسه ادامه دار می باشند و این که واقعه سینای برای ایسرائل ها همچون نقطه اوجی است که از آن نقطه ما سعی می کنیم که به پیشرفت های معنوی بیشتری دست بیابیم. این دو شخصیت همچون دو پدیده کلیدی برای پیشرفت معنوی ما هستند و به همین دلیل دارای رابطه بخصوصی با یکدیگر میباشند.

### ۱- سه واقعه

واقعه اصلی که شاووعوت یادآورنده آن است همانگونه که در تفیلا و قیدوش شاووعوت عنوان می کنیم «زمان اهداء تورا» می باشد. روزی که وحی و الهام الهی بر تمامی قوم ایسرائل در سینای ظاهر شد. چندین نسل بعد واقعه دیگری در یک چنین روزی اتفاق افتاد: مرگ داوید هَمَلِخ<sup>۶</sup> و در زمینه تاریخ معاصر واقعه دیگری در همین روز اتفاق افتاد، مرگ بَعْل شمطوو بنیانگذار نهضت حاسیدوت. از نقطه نظر الهی رخ دادن این سه اتفاق بزرگ در یک روز، شاووعوت، تصادفی نمی باشد. بلکه علامتی است از یک ارتباط درونی مابین آنها. به این معنا که واقعه شاووعوت آشکار شدن صدای خداوند در سینای، باعث شد که این صدا به وسیله داوید هملخ و بعل شمطوو گسترش بیشتری بیابد. آنها سه نقطه اوج را در این بازگشایی دائمی الهام الهی نشان می دهند.

۶- تلمود یروشلمی - خگیگا ۳، ۲

## ۲- ملاقات زمین و آسمان

در میدراش<sup>7</sup> از نوع تازه ای از وضعیت جهان که به وسیله اهداء تورا ایجاد شد سخن گفته شده است و از قول داوید هَمَلَخ می گوید که با وجود آن که خداوند متبارک فرمان داده است که آسمان ها، آسمان های خداوند هستند ولی زمین را خداوند به انسان داده است... زمانی که خداوند اراده کرد که تورا را به بنی اسرائیل بدهد، این فرمان اولیه را ملغی کرد و گفت که دنیاهای پائین می توانند به مراتب بالاتری برسند و دنیاهای بالا می توانند پائین بیایند. و من خود اولین قدم را در انجام این مطلب برمیدارم. همانگونه که در تورا گفته شده است<sup>8</sup>: «و خداوند درکوه سینای فرود آمد». و بعد از آن آمده است که<sup>9</sup>: «خداوند به مُشه گفت که به سوی خداوند بالا بیا».

## ۳- پائین آمدن خداوند

آنچه که در سینای تازگی داشت فرود آمدن (نزول الوهیت) خداوند به جهان پائین ما بود. اگر چه قبلاً وحی الهی و نبوت به وجود آمده بود و بخصوص پدران ما دارای نبوت بودند ولی این نوع نبوت آنها، نوعی تجربه روحانی بود که وارد ذات این جهان مادی نمیشد و به روی آن تأثیری نداشت. اما زمانی که خداوند بر کوه سینای نازل شد، تأثیرات آن در درون جهان احساس شد. در آن لحظه بر طبق آنچه که میدراش می گوید<sup>10</sup>: «هیچ پرنده ای آواز نمی خواند و هیچ پرنده ای پرواز نمی کرد» و صدایی که از طرف خداوند می آمد انعکاس نداشت به خاطر آن که همه آن صدا به وسیله بافت و تار و پود دنیای مادی جذب می شد<sup>11</sup>. تورا دیگر در آسمان ها نبود<sup>12</sup>. کلام خداوند

۷- شموت ربا ۱۲ ، ۳

۸- شموت ۱۹ ، ۲۰

۹- همان مرجع ۲۴ - ۱

۱۰- شموت ربا پایان فصل ۲۹

۱۱- لیکوتی سیخوت جلد چهارم فصل ۱۰۹۵

۱۲- رجوع شود به شبات ۸۹ ، الف

## Aish Tamid Shavuot, 5784

به زمین نازل شده بود. تنها بعد از آن، عمل مقدس کردن، بهتر کردن و بالا بردن جهان به مراتب معنوی آغاز شد. و این همان عبادت ایسرائل ها است که جهان را به ظرفی تبدیل می کند که گیرنده و کسب کننده معنویت الهی است. امکان انجام و رسیدن به چنین مرحله ای در سینای ایجاد شد و به عمل درآمدنش از آن پس آغاز شد.

درست همانگونه که شناخت خداوند به وسیله اوراهام آغاز شد و به وسیله مُشه ادامه یافت. رسیدن و ارتقاء دنیای مادی به مراحل و مراتب معنوی و به سوی خداوند بعد از اهداء تورا در سینای آغاز شد و در زمان داوید و سلیمان به نقطه اوج خود رسید. کسانی که با ساختن بیت همیقداش، ایسرائل ها را در مراحل رسیدنشان (معراج) به اوج معنویت مراحل تازه ای را برای آنها گشودند.

### ۴- عروج انسان

با ظهور داوید هملخ دو پدیده تازه در تاریخ قوم ایسرائل ایجاد شد. اول آنکه، او اولین پادشاهی بود که بر تمامی قوم ایسرائل حکومت می کرد (برخلاف شائول که بر طبق گفته میدراش، بر طایفه یهودا حکومت و تسلطی نداشت<sup>13</sup>) و حکومت خانواده او موروثی بود. «سلطنت هرگز از خاندان داوود قطع نگردد»<sup>14</sup>

دوم آنکه اگرچه بیت همیقداش به وسیله سلیمان ساخته شد بلکه طرح آن و زمینه های ساخت آن به وسیله داوید هملخ<sup>15</sup> آماده شد. تا آنجا که آن به نام داوید خوانده شده است<sup>16</sup>.

هم مقام پادشاهی و هم بیت همیقداش هر دو نشانه هایی از طبیعت و ذات دست آوردهای داوید می باشند یعنی عروج جهان و انسان.

۱۳- بمیدبار ربا فصل چهار

۱۴- رمبام هیلخوت ملاخیم ۷،۱

۱۵- تاریخ ایام اول ۲،۲۹

۱۶- تنخوما ناسو ۱۳، راشی بمیدبار ۱،۷

## ۵- سلطنت

پیوندی که مابین پادشاه و مردمش وجود دارد پیوندیست عمیق تر و متفاوت تر از آنچه که مابین یک شاگرد و معلمش موجود است. یک شاگرد بیشتر آنچه که به دست آورده است را مدیون استادش است ولی او در خارج کلاس زندگی خودش را دارد ولی یک پادشاه بر تمامی جنبه های زندگی مردمانش تأثیر و نفوذ دارد. به همین خاطر است که اگر فرد اسرائیل از فرمان پادشاه سرپیچی کند مجازاتش مرگ است<sup>17</sup>. حتی اگر چه آن سرپیچی در زمینه هایی باشد که خارج از حوزه حاکمیت پادشاه است. برای مثال اگر پادشاه فرمان بدهد که: «به این محل و یا آن محل برو» و یا «خانه ات را ترک نکن» علت آن است که سلطنت، پدیده ای مطلق و حوزه نفوذ آن بدون حد و مرز است و تمامی جنبه های زندگی مردم را در بر می گیرد. و این البته نوع خاصی از سلطنت می باشد. برای آن که مردم به طور مطلق تابع پادشاه باشند، پادشاه نیز باید به صورت مطلق تابع خداوند و پادشاه پادشاهان باشد<sup>18</sup>. به این ترتیب از طریق واسطه سلطنت، قوم اسرائیل تابع مطلق خداوند می باشند. خداوندی که به همه جنبه های زندگی ما حاکمیت کامل دارد.

به این ترتیب ما می توانیم تفاوت مابین قبول تورا در سینای و اطاعت از خداوند را که در ایده سلطنت که داوید آن را بنیان گذاشت مشاهده کنیم. آن الهام الهی که در سینای ایجاد و به وسیله خداوند آغاز شد: «من آن را شروع می کنم» و نه از درون قلب مردم. پس بنابراین بر تمامی موجودیت آنها به طور مطلق تأثیری نداشت. اما پدیده سلطنت از درون مردم و از خواست مردم سرچشمه گرفت. اطاعت آنها منبع و اساس قدرت پادشاه بود. حکومت داوید پدیده تازه ای را مشخص می کند. حکومتی مطلق که مردم از درون خود و داوطلبانه بر خود می پذیرند.

۱۷- رمبام هیلخوت ملاخیم ۳، ۸

۱۸- درخ میصوتخا، میتوخ میدوی منخ

## ۶- بیت همیقداش

همان ایدهٔ عروج انسان و جهان، در بیت همیقداش که دست آورد دیگری از داوید می باشد هم دیده می شود. مابین بیت همیقداش و میشکانی که ایسرائل ها در بیابان حمل می کردند تفاوت هایی وجود داشت. زمین و محل هایی که میشکان در آنجا برپا می شد هرگز برای همیشه مقدس نمی شدند. زمانی که میشکان به محل دیگری منتقل میشد، تقدس آن نیز به محل جدید منتقل می یافت. اما زمینی که در آن بیت همیقداش ساخته شد، حتی زمانی که ساختمان بیت همیقداش خراب و نابود شد به عنوان زمینی مقدس باقی ماند. هم میشکان و هم بیت همیقداش محل حضور خداوند بودند ولی فقط در بیت همیقداش این حضور الهی برای همیشه و به صورت دائم آن، زمین را مقدس میکرد.

## ۷- بَعْل شَمطُو

این دو حرکت، حرکت خداوند به سوی انسان، و حرکت انسان به سوی خداوند در زمان ماشیح زمانی که وحدت الهی همه جا را فرامی گیرد به یک حرکت تبدیل می شوند. در واقع از زمان اهداء توره، ایجاد این وحدت امکان پذیر شد. به خاطر آن که فرمانی که زمین و آسمان را از هم جدا می کرد، ملغی شد.

اما انگیزه بزرگی که دوران ماشیح را فراهم می کند و باعث ایجاد این وحدت میشود، همانا تعالیم بعل شمطوو می باشد. او و فلسفهٔ حاسیدوت که از تعالیم او نتیجه شده به ما یاد می دهد که جهان را پر از نور الهی ببینیم و درک کنیم که این کلام خداوند است که باعث بقاء جهان می باشد. از طریق او ما یاد می گیریم که خداوند را در جهان مشاهده کنیم<sup>19</sup>. و از طریق توره که نمایانگر وحی الهی است بَعْل شَمطُو جهان را به مراتب بالاتری ارتقاء

---

۱۹- رجوع شود به تنیا بخش دوم فصل اول



**Aish Tamid**  
**Shavuot, 5784**

داد.

و به همین ترتیب دوران ماشیح به وسیله گسترش دادن تعالیم بَعَل شمطوو فراهم می شود. ماشیح همچون داوید در توره و با توره زندگی خواهد کرد<sup>20</sup>.

(Source: Likkutei Sichot,

Vol. 8, pp. 21-28) (منبع لیکوتی سیخوت، جلد هشتم صفحات ۸ و ۲۱)

---

۲۰- رمبام هیلخوت ملاخیم پایان فصل ۱۱

**To Place Your Advert  
Here:  
call (323) 934-7095**

**To Place Your Advert  
Here:  
call (323) 934-7095**

**JEWISH CHILDREN:**  
**Get your own letter**  
**in a Sefer Torah!**  
<http://www.kidstorah.org>



**E-Z Office Machines**  
 LA's Easy Office Solution

**In Business Since 1990**

**SALE • SERVICE • REPAIR**  
**RENT • LEASE**

• <b>COPIERS</b>	<b>ISAAC</b>
• <b>LASER PRINTERS</b>	<b>310-557-0702</b>
• <b>FAX</b>	<b>FREE PICK-UP</b>
• <b>TYPEWRITERS</b>	<b>&amp; DELIVERY</b>

1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035  
[www.ezofficemachines.com](http://www.ezofficemachines.com)

This week's issue is sponsored in part by:

**B"H**

**YOSEF Y. SHAGALOV**  
**Traveling Notary Public & Home Signing Agent**  
*Member: National Notary Association*

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092  
 E-mail: [yys770@aol.com](mailto:yys770@aol.com)

---

"For All Your Notary Needs - At **Your** Location"

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

**Reprinted with permission by:**

<p><b>CPY</b>  <b>Chabad Persian Youth</b>          9022 W Pico Boulevard.          Los Angeles, CA 90035          Tel.: (310) 777-0358          Fax: (310) 777-0357  <a href="http://www.cpycenter.org">http://www.cpycenter.org</a>          e-mail: <a href="mailto:cpycenter@sbcglobal.net">cpycenter@sbcglobal.net</a>  <b>Rabbi Hertzal Peer, Executive Director</b></p>	<p><b>&amp;</b></p>	<p><b>Moshiach Awareness Center,</b>          a Project of:  <b>Enlightenment For The Blind, Inc.</b>          602 North Orange Drive.          Los Angeles, CA 90036          Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092  <a href="http://www.torah4blind.org">http://www.torah4blind.org</a>          e-mail: <a href="mailto:yys@torah4blind.org">yys@torah4blind.org</a>  <b>Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director</b></p>
--	---------------------	--

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>